« اذا صفی مزاجه قوی اثر النفس فیه»

حدیث فلسفه را عرض کردم؛ یهودای امیرالمؤمنین علیه‌السلام را دید - معلوم میشود یهودی درس خوانده و بفهمی بود- از مقام حضرت که خبر نداشت، از ظاهر فهمید و گفت «لیتک تعلمت الفلسفة»؛ شما فلسفه ای بگیری؛ دیگر میشوی علی فیلسوف! پناه بر خدا! حضرت فرمودند «ما تری من الفلسفة؟»؛ از فلسفه چه انتظاری داری؟! این «سوّیته» را که عرض کردم، بخشی از آن را حضرت در اینجا میفرمایند. «أیس الانسان اذا اعتدل طباعه صفی مزاجه، و اذا صفی مزاجه قوی اثر النفس فیه». یعنی وقتی نفس میخواهد اثر کند، یک بستر و مزاج صافی نیاز دارد؛ «اذا صفی مزاجه قوی اثر النفس فیه».

خُب این به چه معنا است؟ یعنی حضرت دارند یک خطی را نشان میدهند؛ اینکه خلاصه وقتی میخواهد روح و نفس در اینجا ظهور کند و از آن جا در این بستر انسوت اشراق شود، هر چه شما خصوصیات آن بستر را بشناسید، بیشتر میتواند آن اشراق را انجام بدهد. پس آن بستری است و یک مکانیسم و راه‌کاری دارد و خداوند در آن غموضی قرار داده که این مزاج است.

بازبینی #3
ایجاد شده 27 مارس 2024 20:23:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 15:54:29 توسط ... .